



The Presence and Emergence of Women in Society from the Perspective of Qur'anic Verses and Hadiths¹

Sayyid Mohsen Mirbagheri²

Maryam Kalantari³

Received: 29/07/2020

Accepted: 21/11/2020

Abstract

The emergence of women in society to play a role - individual or social - is a topic for many thinkers to express their opinions, and any response to it can affect making decisions and political, economic, and cultural orientations of society. Based on verses and hadiths, this study has explained the necessity and manner of women's presence in society with regard to the natural circumstances and conditions of the family and society, in a descriptive-analytical method and based on library sources and has concluded that for social activities the woman and her presence in society can be imagined in two ways. One is "presence" and the other is "emergence" which are not always related to each other, and, its recognition by the woman herself is directly related to piety. The "presence" of a woman in society is always associated with "good marriage" and "proper upbringing of children", and her emergence in society depends on its necessity, influence, and observation. In this way, a woman appears as a "necessity" in society to gain science, skills, art, or employment, as well as to use social services and she has an effective emergence in matters such as political participation, emigration, economic activity and participation in jihad and then, she appears "observantly" in society by focusing on enjoining to good [Ma'ruf] and forbidding from evil [Munkar] as well as advising the right and patience.

Keywords

Presence, emergence, woman, role, society, verses, narrations.

-
1. This article is taken from a doctoral dissertation entitled: The role of women in the cultural excellence of society from the perspective of the Qur'an and Hadith (Supervisor: Seyed Mohsen Mirbagheri), Faculty of Principle of the Religion, Department of Qur'an and Hadith.
 2. Associate Professor, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran. dr.mirbagheri@gmail.com
 3. PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Principles of Religion, Tehran, Iran (Author in charge). misaq135@gmail.com

Mirbagheri, M. & Kalantari, M. (2020). The Presence and Emergence of Women in Society from the Perspective of Qur'anic Verses and hadiths. Taken from the doctoral dissertation: The role of women in the cultural excellence of society from the perspective of the Quran and Hadith (Supervisor: Seyed Mohsen Mirbagheri). The Quarterly Journal of Islam and Social Studies, 8(30), pp. 95-123. Doi:10.22081/jiss.2020.58271.1669.



«حضور» و «ظهور» زن در جامعه از نگاه آیات و روایات^۱

سیدمحسن میرباقری^۲ مریم کلانتری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

چکیده

آمد و شد زن در جامعه برای ایفای نقش فردی یا اجتماعی - محل اظهار نظر بسیاری از اندیشمندان است و هرگونه پاسخی برای آن می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه تأثیر بگذارد. این پژوهش با استناد به آیات و روایات، ضرورت و چگونگی حضور زن در جامعه را با توجه به اقتضانات فطری و شرایط خانواده و جامعه، با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای تبیین کرده و به این نتیجه رسیده است که برای فعالیت‌های اجتماعی زن و حضور وی در جامعه، دو حالت قابل تصور است: یکی «حضور» و دیگری «ظهور»؛ که همیشه ملازمه‌ای با هم ندارند و تشخیص آن توسط خود زن، نسبت مستقیمی با تقوا دارد. «حضور» یک زن در جامعه، با «همسررداری نیکو» و «ترتیب شایسته فرزندان» همیشگی است و «ظهور» وی در جامعه، به میزان «ضرورت» و «تأثیرگذاری» و «ناظرانه» بودن آن وابسته است؛ بدین شکل که زن برای تحصیل علم، مهارت، هنر و یا اشتغال و نیز استفاده از خدمات اجتماعی به «ضرورت» در جامعه ظاهر می‌شود و در اموری چون مشارکت سیاسی، هجرت، فعالیت اقتصادی و شرکت در جهاد، ظهوری «مؤثر» دارد و با امر به معروف و نهی از منکر و توصیه به حق و صبر، «ناظرانه» در جامعه ظاهر می‌شود.

کلیدواژه‌ها

حضور، ظهور، زن، نقش، جامعه، آیات، روایات.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان: نقش زن در تعالی فرهنگی جامعه از نگاه قرآن و حدیث (استاد راهنما: سیدمحسن میرباقری)، دانشکده اصول دین، گروه علوم قرآن و حدیث می‌باشد.

۲. دانشیار دانشکده تربیت دبیر شهید رجایی تهران، ایران. dr.mirbagheri@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول دین تهران، ایران (نویسنده مسئول). misaq135@gmail.com

* میرباقری، سیدمحسن؛ کلانتری، مریم. (۱۳۹۹). «حضور» و «ظهور» زن در جامعه از نگاه آیات و روایات. برگرفته از رساله دکتری: نقش زن در تعالی فرهنگی جامعه از نگاه قرآن و حدیث (استاد راهنما: سیدمحسن میرباقری). فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۳۰)، صص ۹۵-۱۲۳. [Doi:10.22081/jiss.2020.58271.1669](https://doi.org/10.22081/jiss.2020.58271.1669)

قرآن کریم، هدف از خلقت انسان را عبادت (عرفان) خدا می‌داند (ذاریات، ۵۶) و انسان، برای رسیدن به این هدف، باید خود و وظیفه‌اش را بشناسد؛ زیرا به‌میزان این شناخت و ادای وظیفه بندگی‌اش به هدف خلقت نائل می‌شود. در حوزه «ادای وظیفه» یا همان «ایفای نقش»، قطعاً به‌خاطر تفاوت جسمی و روحی زن و مرد، ابزار و روش‌های ایفای نقش آنها هم متفاوت می‌شود و برای اینکه آدمی بتواند نقش‌هایی را که خدا به او در این عالم هستی در حوزه‌های فردی و اجتماعی داده بشناسد، شایسته است که به قرآن صامت و ناطق رجوع کند و ابزارها و روش‌های بندگی خود را بیابد، چون خداوند برای طی مسیر بندگی، برای زن و مرد وظایفی را تبیین و نقش‌هایی را تعریف کرده که از طریق رسولش به او رسانده و تعدی از هر کدام باعث هلاکت است (نساء، ۱۴).

در میان حدود دویست آیه در قرآن کریم که به موضوع زن در سه حوزه اجتماعی، خانوادگی و فردی پرداخته (مهریزی، ۱۳۸۲، ص ۱۵)، در حوزه اجتماعی، بحث امر به معروف و نهی از منکر (توبه، ۷۱) و درآمذزایی (نساء، ۱۴)، در حوزه سیاسی بحث مشارکت در قالب «بیعت» (ممتحنه، ۱۲) و «هجرت» (نساء، ۹۷، ۹۸)، و نیز یادکرد بدون نقد از کاردانی ملکه سبا در مدیریت امور یک سرزمین (نمل، ۲۲-۳۴) را مطرح می‌کند. در سیره رسول الله ﷺ هم ماجرای مشورت ایشان با ام‌سلمه در صلح حدیبیه (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۱۴)، مشورت با دختران‌شان هنگام ازدواج آنها (ابن‌ابی‌شبهه، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۱۴۱؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۱۲۳)، به‌سفر بردن همسران (قزوینی، ۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۶۳۳)، تکریم زنان مثل سلام‌دادن به آنان (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، صص ۱۷۳-۱۷۴) و به‌دیدار ایشان رفتن و عیادت‌شان (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۵۱۹؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴۷۳) و پاسخ‌دادن به سؤالات زنان (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۹۴) ثبت است. از سوی دیگر قرآن کریم از همسران پیامبر اکرم ﷺ خواسته تا در خانه‌هایشان بمانند (أحزاب، ۳۳). در سنت پیامبر اعظم ﷺ نیز چنین روشی دیده می‌شود؛ آنجا که در تقسیم کارهای خانه برای حضرات فاطمه و علی علیه‌السلام امور مربوط به داخل خانه به دوش زن خانواده نهاده شد که اتفاقاً شادی بسیاری برای ریحانه‌النبی علیه‌السلام رقم زد؛ چرا که فرمود: «کسی نمی‌داند من چقدر خوشحال شدم از اینکه رسول خدا

مرا از معاشرت با مردان بازداشت» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۸۱) و یا در پاسخ به اعتراض زنی که تصور می‌کرد زنان از فضائل جهاد محروم‌اند، رسول‌الله ﷺ «حُسْنُ التَّبَعْلِ» (خوب‌همسرداری) را جهاد یک زن عنوان می‌فرماید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۹). از روایت معروف حضرت زهرا ﷺ هم که فرمود: «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۶۴)، می‌توان استفاده کرد که بهترین حالت برای زنان این است که ایشان در معرض دید مردان نباشند. روایت «ملازمت زن در خانه باعث تقرب بیشتر او به خدا است» هم مؤید این مطلب است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۹۲). از پیامبر ﷺ هم نقل شده که «نماز فرادای زن در خانه‌اش همسان نمازی است که با جماعت بخواند؛ یعنی ۲۵ درجه ثواب به او داده خواهد شد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۳۷). همچنین در روایتی آمده است که امیرالمؤمنین ع فرمود: «مرد ناینبایی بر حضرت زهرا ﷺ وارد شد. حضرت از وی حجاب گرفت (حجاب در اینجا ظاهراً به این معنا است که حضرت در پشت پرده و یا دیواری قرار گرفتند). پیامبر از حضرت زهرا ﷺ پرسیدند: "برای چه حجاب می‌گیری؟ او که تو را نمی‌بیند." حضرت زهرا ﷺ گفتند: "أولاً اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم، و ثانیاً، او بوی مرا استشمام خواهد کرد." پیامبر ﷺ در تأیید سخن زهرا ﷺ فرمودند: "گواهی می‌دهم که تو پاره تن منی" (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۹۱).

بدین ترتیب مشخص شد قرآن کریم و سنت، در راستای ایفای نقش زنان مسلمان، ایشان را هم به پرده‌نشینی سفارش و از تبرج نهی کرده (أحزاب، ۳۳، ۵۳) هم بیعت و هجرت را از او رفع نکرده است (ممتحنه، ۱۲؛ نساء، ۹۷، ۹۸)، هم طلب علم را بر او فریضه دانسته (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۱۴۰)، هم از کسب اقتصادی (نساء، ۳۲) بی‌نصیبت ساخته، و هم با توجه به روایت فاطمه زهرا ﷺ، بهترین حالت برای زنان را در ندیدن مردان قرار داده (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۵۴)، حال مسئله این است که آیات و روایات، دغدغه یک زن مسلمان درباره نحوه حضورش در جامعه، به‌ویژه در عصر حاضر را چگونه تعریف کرده است؟ آیا پرده‌نشینی و دوری از تبرج، با فعالیت اقتصادی و طلب علم و مشارکت سیاسی و هجرت در تناقض است؟

به نظر می‌رسد با توجه به آیات و روایات فوق‌الذکر، میزان و چگونگی حضور زن مسلمان در جامعه در دو حالت قابل بررسی است: «حضور» و «ظهور» که رویکردی جدید در این پژوهش به شمار می‌آید.

بنابراین، فرضیه این مقاله، چنین بیان می‌شود: زن با «همسررداری و فرزندداری» شایسته، همیشه در جامعه «حاضر» است و به گاه ضرورت در جامعه «ظهور» دارد، و تشخیص آن برای زن، با میزان «تقوا»ی وی ارتباط مستقیم دارد.

۱. تبیین حضور زنان در جامعه

۱-۱. همسررداری نیکو

قرآن کریم فرموده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...» (روم، ۲۱). این آیه نقش اول ایجاد آرامش در نظام خانواده را برای «زن» مقرر کرده است. در آیه‌ای دیگر فرموده است: «هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ» (بقره، ۱۸۷) که به گفته صاحب‌المیزان، «هر یک از زن و شوهر طرف دیگر خود را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه‌دادن آن در بین افراد جلوگیری می‌کند، پس در حقیقت مرد لباس و ساتر زن است، و زن ساتر مرد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۴). همچنین علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «جهاد المرأة حسن التبعل» (نهج‌البلاغه، ح ۱۳۶) و حضرت زهرا را با تعبیر «نعم العون علی طاعة الله» (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۳۵۶) توصیف کرده است. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در توصیف زنان صالح و ارزشمند، به یاور بودن ایشان اشاره فرموده است: «فَأَمْرَأَةٌ وُلُوْدٌ وَدُوْدٌ تُعِينُ رَوْحَهَا عَلَى دَهْرِهِ لِدُنْيَاةٍ وَ لِآخِرَتِهِ وَ لَا تُعِينُ الدَّهْرَ عَلَيْهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۳۲). همچنین در بیان شریف دیگری فرمودند: «چهار چیز کمرشکن است که یکی از آنها خیانت زن به شوهرش است؛ رَوْجَةٌ يَحْفَظُهَا رَوْجُهَا وَ هِيَ تَخُونُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۳۱) و وفاداری همسر را مایه استواری شوهر دانسته است.

لذا از نظر اسلام، زن در نیکوهمسررداری خود، از جنبه خانوادگی، سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل، از جنبه اجتماعی، موجب حفظ و استیفای نیروی کار می‌گردد، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند، و

از نظر جنسیتی، در برابر مرد، دارای شأن و عزت می‌شود. پس هر زنی با ایفای درست نقش همسری خود برای شوهرش، حضور خود در جامعه را تثبیت کرده است، چرا که با اهدای آرامش به همسر و ساتر بودنش برای او و یاری کردن و خیانت نکردن به او، امنیت جسمی و روحی او را در منزل فراهم آورده و خاطر او را آسوده ساخته تا شوهرش با طیب خاطر به امور محوله خود در خانواده و جامعه بپردازد.

۱-۲. فرزندپروری نیکو

«حضور» زن در جامعه، با تربیت شایسته فرزندان نیز تحقق می‌یابد، زیرا در خانواده که اولین هسته جامعه است و در آن انسان تربیت می‌شود، مادران مسئولیت سنگین تربیت بچه‌ها را بر عهده دارند. حرف، خلق و عمل مادر در بچه‌ها اثر دارد. «اگر دامن مادر طاهر، پاکیزه و مهذب باشد، بچه از اول با اخلاق صحیح و تهذیب نفس و عمل خوب رشد می‌کند. اگر یک بچه خوب تربیت شود، ممکن است که سعادت یک ملت را همان یک بچه تأمین کند، همان‌طور که اگر یک بچه بد هم بزرگ بشود، ممکن است یک فساد در جامعه پیدا بشود» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۳۶۳). ویل دورانت می‌گوید: «نبوغ در مادری همان اندازه امکان دارد که نبوغ در سیاست و ادب و جنگ. درباره برابری در نبوغ نباید از روی برابری در قدرت یا توانایی در اجرای امور با مهارت مساوی حکم کرد... بلکه برابری در نبوغ را باید از روی توانایی در اجرای مشاغل و وظایفی دانست که طبیعت بر هر یک از زن و مرد گذاشته است» (دورانت، ۱۳۹۵، ص ۲۴۷). فرزند شایسته آن‌قدر مهم است که جزو دعا‌های قرآنی است (آل‌عمران، ۳۸؛ ابراهیم، ۴۰).

سید قطب در تفسیرش ذیل آیه شریفه ۱۵ از سوره مبارکه احقاف - «وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي؛ و فرزندانم را برایم شایسته گردان» - گفته است: «آرزوی قلبی مؤمن این است که اعمال نیک در فرزندانش ادامه یابد و دودمانش خدا را عبادت کنند و رضایتش را بطلبند» و «فرزندان صالح آرزوی عبد صالح است؛ چرا که این برایش تأثیرگذارتر و ثمربخش‌تر از گنج‌ها و پس‌اندازها است» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۳۲۶۳). همچنین از آیه دعایی ۷۴ سوره فرقان: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا ذُرِّيَّتًا قَوَّةً لَّعَيْنٍ»، می‌توان دریافت که

مؤمنان به تربیت فرزندان توجه ویژه دارند؛ چرا که مؤمن از توفیق فرزندان در بندگی خدا و کسب فضائل اخلاقی، چشمش روشن و دلش شاد می‌شود، به دلیل نتیجه آن که سعادت در دنیا و بهشت در آخرت است. به گفته فخر رازی: «تردیدی نیست که مراد از "قره أعین" در این آیه، روشنی چشم در دین است، نه در امور دنیایی از مال و جمال» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۴۸۶)؛ لذا این دعای بلند در قرآن کریم که در زمره خواسته‌های «عباد الرحمن» آمده است، می‌خواهد بگوید اینکه انسان از طریق افراد خانواده، سر بلند باشد و آنان نور چشم وی به شمار آیند، در صورتی فراهم می‌شود که با تربیت شایسته و اخلاق خوب و رسیدگی و تربیت، آنان را مهذب، پاک و با ایمان بار آورده باشد. در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام بر تربیت شایسته تأکید شده است؛ آنجا که حضرت می‌فرماید: «و اما حق فرزندت آن است که بدانی او از تو است و خیر و شر او در همین دنیا به تو نسبت داده می‌شود و تو در تربیت شایسته او و راهنمایی‌اش به سمت و سوی خدا و کمک به خداپرستی‌اش مسئولی و در این مورد، پاداش یا کیفر داده خواهی شد. پس در کار تربیت فرزند چنان رفتار کن که اگر در این دنیا آثار خوب داشت، مایه آراستگی و زینت تو باشد و با رسیدگی شایسته‌ای که به او داشته‌ای، نزد پروردگارت عذر و حجت داشته باشی!» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۳). اگر مادری بتواند انسانی خوب و مفید برای جامعه تربیت کند، در جامعه «حاضر» است، ولو خود «ظاهر» در جامعه نباشد، زیرا این فرزندگی که کارمند و معلم و قاضی و کاسب و وزیر و وکیل و... شده، دست‌پرورده مادر است و اثرات تصمیمات و رفتارهای او است که در جامعه منعکس می‌شود.

۲. تبیین ظهور زنان در جامعه

«ظهور» زن در جامعه، فارغ از نقش همسری و مادری، هنگام «ضرورت» و با توجه به میزان «تأثیر گذاری» و «ناظرانه» رخ می‌دهد. بدین شکل که زنان برای فعالیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی خود در جامعه، «ظاهر» می‌شوند که یکی از جهات تشریح حکم حجاب هم همین «ظهور» در جامعه است. خروج از خانه و ورود به جامعه، برای هر زنی، با

توجه به احکام شریعت، دارای قواعد و موازینی است که در دسته‌بندی کلی، به ظهور «ضروری، مؤثر و ناظرانه» تقسیم می‌شود که به تفصیل در ذیل بدان پرداخته شده است:

۱-۲. ظهور به ضرورت

آمدن و شد در جامعه، برای زنان، به خاطر تحصیل «علم»، «مهارت» و «هنر»، یا «اشتغال» و یا «بهره‌مندی از خدمات»، از ضروریات زندگی است.

۱-۱-۲. تحصیل علم، مهارت و هنر

زنان برای تحصیل علم، مهارت، هنر و هر چه که منطبق با نیازهای روحی و جسمی آنهاست، نه در قرآن و نه در سنت، معنی نداشته و ندارند؛ بلکه یادگیری برخی مهارت‌ها و علوم بر زنان لازم شمرده شده است، از جمله مامایی که زنان را از رجوع به مردان بی‌نیاز می‌کند، یا مداوای بیماران، یا کسب هنر که با ظهور اسلام و تشویق پیامبر، شاهد آن هستیم که برخی از زنان هنر خود را به زنان دیگر می‌آموختند؛ چنان‌که «لیلی بنت عبدالله قرشی» - از نویسندگان عصر جاهلی - هنر نویسندگی خود را در خدمت زنان مسلمان قرار داد و به حفصه، همسر رسول خدا ﷺ کتابت آموخت و آن حضرت خانه‌ای را در مدینه به وی داد (زرکلی، ۱۹۸۰م، ج ۳، ص ۲۴۶). ام‌ورقه، دختر عبدالله بن حارث، بانویی بود که قرآن را جمع‌آوری کرده بود (ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۴۵۸). در گزارشی آمده است: «شفا» که از آموزگاران باتجربه عصر خود بود، به دستور رسول ﷺ به همسرش خط آموخت (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۰۳؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۳۶۶). در جنگ خیبر، «امیه» دختر «قیس غفاریه» با گروهی از بانوان نزد پیامبر آمدند و از ایشان درخواست کردند به آنان اجازه دهد که با سپاه برای درمان زخمی‌ها حرکت کنند و هر کمکی که می‌توانند انجام دهند. پیامبر ﷺ نیز به آنان اجازه داد و بانوان وظایف خود را انجام دادند (عفیفی، ۱۳۵۰ق، ج ۲، صص ۴۴-۴۶). گزارش‌هایی نیز از زنان تاریخ اسلام در دست است که بعضی از آنها پزشکان ماهری بوده‌اند. «زینب» دختر «بنی‌اود» چشم‌پزشک کاردان و ماهری بود که در میان عرب شهرت بسیار داشت (ابن‌ابی‌اصیبعه،

۲۰۰۱، ص ۱۸۱). «ام‌الحسن» دختر قاضی «ابوجعفر طنجانی» در همه رشته‌های علوم آن عصر به‌ویژه در طب، نام‌دار بود (ابن‌خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۱، صص ۲۶۵-۲۶۶). خواهر «حفید بن زهر» وزیر و دخترش که در زمان «منصور بن ابی‌عامر» می‌زیستند، در پزشکی ماهر و زبردست بودند و در درمان بیماری‌های زنان تجربه و مهارت خاصی داشتند؛ به‌طوری که برای درمان بانوان دربار دعوت می‌شدند (ابن‌ابی‌اصیبه، ۲۰۰۱م، ص ۵۲۴). لذا در کارهای تخصصی که انجام آن توسط زنان بیشتر مورد رضای الهی است (مثل پرستاری از زنان و مامایی)، خروج زن از خانه مورد قبول است. «اگر کار کردن زن نقصان یا آسیبی به حق شوهر نرساند یا به خروج از خانه نینجامد، علما اجازه داده و افزوده‌اند: "اگر زن، حرفه‌ای مثل مامایی دارد که از واجبات کفایی زنان است، شوهر نمی‌تواند مانع بیرون رفتن وی از خانه شود"» (صراف، ۱۳۸۰، ص ۲۲).

درباره هنر زنانه هم می‌توان به روایتی از امام صادق علیه‌السلام اشاره کرد: «ام‌حبیبه حافظه خواهری داشت که نام او ام‌عطیه و حرفه‌اش همچون ام‌حبیبه آرایش‌گری بود. وقتی ام‌حبیبه نزد خواهر خود آمد و مطلبی را که رسول خدا درباره شغل آرایش‌گری و درآمد آن بیان داشته بود برای وی تعریف کرد، ام‌عطیه به حضور رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شتافت و مطلبی را که از خواهر خود شنیده بود بازگو کرد، آن‌گاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ضمن تأیید سخن خود و ام‌حبیبه درباره مجاز بودن شغل آرایش‌گری با شرایطی که در شرح زندگی ام‌حبیبه بیان شده، ام‌عطیه را نزدیک خویش فراخواند و به‌منظور یک توصیه اخلاقی و بهداشتی سفارش کرد: "هر گاه بانوان را پیرایش و اصلاح می‌کنید، صورت افراد را با پارچه نشوید و خشک نکنید، زیرا پارچه آب صورت را می‌خورد و پوست صورت را خشک می‌کند!"» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۴۲۷). این روایت بیان‌گر بی‌اشکال بودن یادگیری و به‌کارگیری هنر زنانه در خدمت زنان است تا آنها را از رجوع به نامحرمان بی‌نیاز کند.

۲-۱-۲. اشتغال

اشتغال زنان در صدر اسلام گزارش تاریخی دارد؛ مثلاً در مکه و زمان رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

امور حسبہ (مالی) را «سمراء بنت نهیک الاسدیہ» بر عهده داشت. وی کسانی را که در دادوستد، غش و فریب کاری می کردند، مجازات می کرد (صراف، ۱۳۸۰، ص ۲۲). «قرآن کریم استقلال اقتصادی، مالکیت زن و کار در جامعه توسط زن را امضا نموده است؛ هر چند در گذشته کار زن‌ها بیشتر به محیط خانواده محدود بود، مانند چرخ‌ریسی، بافندگی، آشپزی، شست‌وشو، پختن نان و آسیاب گندم که زنان در خانه خود انجام می دادند» (باوکر و هولم، ۱۳۸۷، ص ۲۱۸). در آیه ۲۳ سوره قصص، از کار کردن دختران پیامبر خدا، حضرت شعیب علیه السلام و کمک آنان به پدر در دام‌داری یاد شده است که اشاره‌ای است به اینکه ادیان الهی عموماً مخالف ورود زن به اجتماع و کار نیستند. شعیب پیغمبر دخترش را به دنبال انجام دادن کاری ضروری روانه می کند و آن دختر با پوشش عفت و حیا به دنبال اجرای فرمان پدرش روانه می شود. ملک و مملکت‌داری ملکه سبأ در قرآن کریم که تقبیح هم نشده نیز مصداقی برای این بحث است. بنابراین آیات قرآن کریم این اندیشه را به جامعه ارائه می دهد که در ادیان الهی مانعی وجود ندارد که نگذارد زن، تاجر، کاسب، پزشک یا صاحب یکی از شغل‌های اجتماعی شود؛ چنان که «برخی از زنان مسلمان به هنر خطاطی و خوش‌نویسی علاقه‌مند بودند و خط کوفی را نیکو می نوشتند و بعضی از آنان نیز از این راه امرار معاش می کردند. مثلاً در محله الرباط الشرقي در شهر قرطبه دارالملک اندلسی ۱۶۰ کدبانو که خط کوفی را خوب می نوشتند به تسخت‌گری روزگار می گذرانند» (مظاهری، ۱۳۴۸، ص ۲۲۱). البته همیشه ادیان به پیروان خود این توجه را داده‌اند که مناسب‌ترین شغل و معتدل‌ترین آنها را برای خود انتخاب کنند، تا اینکه مبدا پای‌بندی زنان به حیا و عفت خدشه‌دار شود. البته ایشان به علت داشتن ظرافت جسمی و لطافت روحی بهتر است خود عهده‌دار امور سخت و طاقت‌فرسا نشوند و سند این سخن حدیث مهمی است که در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه از زبان امام علی علیه السلام آمده است که به امام حسن علیه السلام می فرماید: «وَلَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رَيْحَانَةٌ وَ كَيْسَتْ بِقَهْرِ مَانَةٍ»^۱؛ کاری را که برون

۱. معنای «قهرمانه»: مباشر، پیشکار، موکل دخل و خرج، پیشوا، سردمدار و کسی که امور را در دست می گیرد (موسوی‌پور و منتظری، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵).

از توان زن است به او مسپار، زیرا زن گل است، نه نیروی کار. علتی را که امام علیه السلام برای این دستور بیان فرموده، علت بسیار حساب شده‌ای است که با ساختمان روح و جسم زنان سازگار است. در تعالیم انسان‌ساز اسلام و قرآن کریم، معنای اشتغال این نیست که زنان حتماً در پی کسب درآمد، و به دنبال تأمین خوراک و پوشاک و... بیرون از منزل باشند و از وظایف اصلی خود که متناسب با روحیات و اقتضائات جسمی ایشان است، باز بمانند، چرا که مسئولیت تأمین اقتصادی خانواده بر عهده مرد است، بدین معنا که اسلام اصل استقلال اقتصادی را برای زنان قائل شده، یعنی زنان هم مالک کار و تولید خود بوده و هم هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر اقتصاد خانواده ندارند و حتی می‌توانند در مقابل کار و خدمتی که در خانه انجام می‌دهند از همسر تقاضای مزد و حقوق کنند که پرداخت آن هم بر مرد واجب است. البته زن در مورد فعالیت اجتماعی و اشتغال به سه مورد مستثنی شده و آن هم به خاطر این است که در این موارد، تکلیفی بر دوش آنان گذاشته نشده است. این سه مورد عبارت‌اند از: ۱. قضاوت، ۲. جهاد، ۳. افتاء. درباره اولی، قضاوت یک تکلیف دینی است و نه یک کار اجتماعی و مهم‌ترین دلیل نسپردن این امر به زن هم عاطفه زنان است که موجب دل‌سوزی به حال متهم شده و او را از انجام حکم دین بازمی‌دارد. مثل اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصیت به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «یا علی لیس علی المرأة جمعة و... لا تولی القضاء» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۴۶). در بیان حضرت، حقی از زن سلب نشده، بلکه تکلیف از گردن او برداشته شده است. البته زن حق شهادت‌دادن در دادگاه را دارد و حتی برخی فقهای ما نیز در مورد قضا، نظرات متفاوتی دارند. آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: «برخی از فقیهان نام‌آور امامیه، مانند شیخ مفید، شیخ طوسی، ابن‌ادریس و حمزة بن علی بن زهره، تصریح به شرطیت مرد بودن قاضی و عدم صلاحیت زن برای قضاوت نکرده‌اند و برخی دیگر، نظیر قاضی بن البراج، محقق حلّی، علامه حلّی، شهید اول، صاحب جواهر و شیخ انصاری، مرد بودن قاضی را در شمار شرایط قاضی شمرده‌اند؛ بنابراین در زمینه عدم شایستگی زن برای قضاوت، در بین فقها اجماعی وجود ندارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۹). درباره جهاد نیز زنان وظیفه جهاد ابتدایی را ندارند، ولی در نوع دیگری از جهاد که جهاد دفاعی است و

برای دفاع از اسلام و مقابله با تجاوزات کفار و دشمنان اسلام انجام می‌پذیرد، بر تمام افراد جامعه از جمله زنان واجب کفایی است که از میهن اسلامی خود دفاع کنند. «بنابراین زن می‌تواند در بخش مهمی از امور مربوط به جهاد حضور یابد، چرا که تمام جهاد، درسنگر بودن و تیراندازی کردن نیست. علاوه بر کمک‌های تداکارتی پشت جبهه و متن جبهه، نقشه کشیدن و راهنمایی کردن نیز بخش‌های مهمی از جهاد به شمار می‌آید. و البته اگر کشوری در حال جنگ و دفاع باشد و از طرف بیگانه‌ها تهدید شود، زن‌ها باید دفاع کنند» (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۴). افتاء نیز از اموری است که زنان مکلف به انجام آن نشده‌اند. مرجعیت دینی شرایط خاص خود را می‌طلبد و فقط فقهای ذکور، حق مرجعیت خاص دینی را دارا هستند. هر چند «آیت‌الله خویی، سید محسن حکیم طباطبایی، شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی و حتی محمد بن جریر طبری که از اهل سنت است، ذکوریت در افتاء را لازم ندانسته‌اند» (یادگار، ۱۳۷۱، ص ۳۱). بنابراین اسلام با حفظ کرامت انسانی زنان، می‌خواهد کارهایی را که متناسب با شرایط و روحیات درونی و بیرونی آنان است به آنان واگذار کند که این کار، یک تقسیم منطقی است، نه یک تبعیض ارزشی. مصلحت جامعه، مصلحت خانواده و شرایط فردی، مواردی است که در این باره لحاظ شده است.

۲-۱-۳. استفاده از خدمات

به فرموده خدای متعال، نعمت‌هایی چون آسمان آبی، جنگل‌های سبز، کوه‌ها، دریاها، گل‌های رنگارنگ، حیوانات زیبا، خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های پاک و حلال و... که در طبیعت نهاده شده، برای ایمان‌آوردگان است؛ هر چند دیگران هم از آن بهره ببرند: «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً» (جاثیه، ۱۳)، یعنی «انسان در زندگی خود از موجودات برتر یا پست منتفع می‌شود، و روزه‌روز دامنه انتفاع و بهره‌گیری جوامع بشری از موجودات زمینی و آسمانی گسترش می‌یابد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۱۶۲) و خود خدا فرموده کسی حق ندارد استفاده از آن را برای بندگان حرام کند: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف، ۳۲). از آنجا که

زنان نیز مثل مردان، حق استفاده از لذات، امکانات و تفریحات حلال را دارند، لذا حکومت اسلامی باید فضای مناسب برای بهره‌گیری زنان از این خدمات را با حفظ حریم مهیا کند. پس از فضا سازی مناسب در ارائه خدمات «تفریحی»، «زیبایی» و «سلامتی»، توسط ساختار حکومتی، زنان هم می‌توانند با خاطری آسوده از این امکانات استفاده کنند؛ یعنی در بهره‌برداری از خدمات، هم محدودیت نباشد، هم اختلاط نباشد، بلکه حریم رعایت شود. استاد مطهری چنین نگاشته است: «سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا ﷺ همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی‌شده‌اند؛ ولی همواره اصل «حریم» رعایت شده است» (مطهری، بی‌تا، ص ۲۴۱).

۲-۲. ظهور مؤثر

کتاب و سنت، آموشد زن در جامعه را با حفظ حریم برای فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی جایز دانسته‌اند؛ «اگر سیستم جامعه بر موازین ستر و عفاف و طهارت روح استوار باشد، هیچ‌گونه منع شرعی برای حضور زن در و کالت، وصایت و ولایت بر محجوران و ولایت بر رقبات وقف و نظایر آن نیست و هرگز حق زن در مواردی محدود مانند حق الحضانة خلاصه نمی‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۶). از مصادیق ظهور تأثیر گذار زن در جامعه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۲-۲-۱. مشارکت سیاسی

امام صادق علیه السلام فرمودند: «وقتی رسول خدا ﷺ مکه را فتح کرد با مردان بیعت کرد، سپس زن‌ها آمدند با حضرت بیعت کنند و خداوند آیه دوازدهم سوره ممتحنه را نازل فرمود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۱۳۴). این آیه از مهم‌ترین مصادیق ظهور مؤثر زن در جامعه در بالاترین رده است.

۲-۲-۲. هجرت

هجرت در صدر اسلام برای گسترش دین اسلام و حفظ آن بسیار مهم بوده و در

این مورد بین زن و مرد هیچ تفاوتی نبوده است و پیامبر، هم از زنان و هم از مردان می‌خواسته که هجرت کنند (نساء، ۹۷). در تاریخ اسلام، در بین مسلمانان مهاجر به حبشه و مدینه، زنان نیز هم‌گام با مردان بودند. یکی از زنانی که در مهاجرت به مدینه شرکت داشت، اسماء همسر زبیر بود. او می‌گوید: «در این مهاجرت فرزندانم عبدالله را حامله بودم و در قبا وضع حمل کردم» (مهریزی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳). روایت شده که پیامبر زنان مهاجر را سوگند می‌داد که بگویند: «به خدا سوگند من از خشم شوهرم و یا از روی علاقه به این آب و خاک و یا برای تحصیل دنیا، وطن را ترک نکرده‌ام، من نیامدم مگر به خاطر خدا و پیامبر او» (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۱۲۷). و این مصداقی دیگر از ظهور تأثیرگذار زن در جامعه برای اهداف الهی است.

۲-۳. فعالیت اقتصادی

طبق آیه ۳۲ سوره نساء، «لَلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ»؛ زن مثل مرد می‌تواند بدون ناظر و قیم، حق مالکیت و تصرف در مالش را داشته باشد و اختیار دارد که اموالش را در راهی که خود صلاح می‌داند خرج کند. حکیمی در «اعیان النساء» از «ام‌بنی‌النمار» نام می‌برد که «راوی و تاجر» بود و می‌گفت: «خدمت رسول الله ﷺ رسیدم و گفتم: "من خرید و فروش می‌کنم..."» و پرسش‌هایی درباره خرید و فروش کرد و رسول‌الله وی را راهنمایی نمود (حکیمی، ۱۹۸۳، ص ۵۳۷). این نمونه‌ای در سنت رسول خدا برای فعالیت اقتصادی زن است. همچنین اسلام با تشریح سهم‌الارث، مهر، نفقه و حق مطالبه اجرت در مقابل کارهای خانه، استقلال اقتصادی زن را تأیید و مردان را موظف کرده که این حقوق را به رسمیت بشناسند. در روایات، ادانکردن حقوق زنان از جمله مهریه، دزدی به شمار رفته است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۸۳). در سایر گونه‌های مالکیت و استقلال در تصرف اموال منقول و غیرمنقول و موارد تابعه آن مانند تجارت، عطیه و بخشش، رهن، قرض، صلح، شرکت، مضاربه و سرمایه‌گذاری، حواله، کفالت، وقف، نذر، قوانین افلاس و محجوریت، اجاره، کشاورزی، باغداری، مساقات، ضمان، عاریه، وصیت و واگذاری اموال به شخص،

شفعه، قراردادهای بازرگانی و غیر آن، جعله، و احیای موات نیز بین زنان و مردان تفاوتی نیست و در این حقوق مساوی‌اند (نوری، ۱۳۸۵، ص ۶۴).

۲-۲-۴. شرکت در جهاد

زن در میدان جهاد در صدر اسلام همیشه آماده بوده و قیام در راه خدا داشته است. روایت شده که زنان در جنگ، همراه رسول خدا، برای مداوای مجروحان شرکت می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۵). «نسیه» معروف به «ام‌عمّاره» گفته است: «در جنگ احد با مشک آب، خود را به پیامبر ﷺ رساندم، آن حضرت را در جمع اصحاب یافتیم در حالی که قدرت و پیروزی از آن مسلمانان بود. هنگام شکست مسلمانان به پیامبر ﷺ پیوستم و به‌طور مستقیم وارد جنگ شدم، به‌قصد دفاع از پیامبر ﷺ شمشیر می‌زدم و تیراندازی می‌کردم» (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۳، ص ۸۶). به‌عنوان مهم‌ترین مصداق ظهور مؤثر در اجتماع، می‌توان از حضرت زهرا ﷺ نام برد که پس از وفات پیامبر ﷺ با دو جلوه سخنرانی در مسجد و گریه‌های بسیار، در جامعه ظاهر شد (روحانی، ۱۳۹۳، ص ۴۵۴). همچنین ظهور مؤثر و مهم دیگر در تاریخ، به‌نام حضرت زینب ﷺ ثبت است؛ آنگاه که با قیام امام حسین ﷺ همراهی کرد، قیامی که دارای دو بخش حسینی و زینبی بود، در بخش حسینی، گروهی از مردان تحت ولایت امام حسین ﷺ در روز عاشورا و در جبهه‌ای نظامی در برابر سپاه طاغوت می‌جنگند و به شهادت می‌رسند و در بخش زینبی این قیام که از عصر عاشورا آغاز می‌شود، حضرت زینب ﷺ به همراهی گروهی از زنان که جز اندکی نام و نشان آنان در تاریخ پنهان است، مسیری طولانی و طاقت‌فرسا را طی کردند و در طول این مسیر تا شام سختی اسارت و شکنجه کارگزاران یزید را به جان خریدند (روحانی، ۱۳۹۳، ص ۴۵۵).

۲-۳. ظهور ناظرانه

اسلام برای ماندگاری خود و جامعه‌ای که بر مبنای قانون‌ها و آیین‌های آن اداره می‌شود اصلی را بنیان گذاشته به نام «امر به معروف و نهی از منکر». با این اصل و

به اجرا گذاردن آن، راه بر بدی‌ها و زشتی‌ها بسته و بر خوبی‌ها، زیبایی‌ها و راستی‌ها گشوده می‌شود. و اصل دیگر که آن را به شدت مهم می‌داند، به طوری که اگر عمل نشود آدمی در خسران است، سفارش به حق و صبر است.

۲-۳-۱. امر به معروف و نهی از منکر

تکلیفی که در آیه ۷۱ سوره توبه، مرد و زن هر دو موظف به انجام آن شده‌اند، امر به معروف و نهی از منکر است. این آیه می‌گوید زنان می‌توانند با توانایی و استعداد خود، برای احیای دین در جامعه مفید باشند؛ چرا که یکی از ابزارهای احیای جامعه و رسیدن به تعالی فرهنگی، در قالب «امر به امور پسندیده» و «نهی از کارهای ناشایست» است که زنان می‌توانند هم‌تراز با مردان در آن نقش آفرین باشند.

۲-۳-۲. توصیه به حق و صبر

سوره عصر آدمی را در خسران می‌داند، مگر به داشتن «ایمان و عمل صالح» و «سفارش یکدیگر به حق و صبر». در تفسیر این سوره گفته شده است: «این سوره با کمی حروفش دلالت می‌کند بر تمام نیازمندی‌های انسان در دین، از جهت علم و عمل، و در وجوب سفارش و توأسی به حق و شکیبایی، اشاره به لزوم و وجوب امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به توحید و عدل و ادای واجبات و دوری از زشتی‌ها و گناهان» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۳۵۶). سید قطب توصیه به حق و صبر را زینده امت اسلام دانسته است: «از لابلای توصیه به حق و حقیقت و سفارش به صبر و شکیبایی، تصویر ملت مسلمان یا گروه مسلمان نمودار و پدیدار می‌شود که دارای هستی ویژه، رابطه خاص، و رویکرد یگانه‌ای است. ملت مسلمان گروهی است که هستی خود را احساس می‌کند و خویشتن را می‌شناسد. همچنین به وظیفه خود آشنا است. با حقیقتی آشنا است که ایمان و کار خوب است؛ کار خوبی که از جمله شامل رهبری بشریت و رهنمود انسان‌ها در مسیر ایمان و عمل صالح، و توصیه و سفارش همدیگر به چیزهایی است که ملت مسلمان را موفق و سرافراز می‌کند که این بالاترین تصویر برای امت مختار و

برگزیده است» (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۳۹۶۷) توصیه به حق و صبر در جامعه اسلامی، نشان از این دارد که شهروندان مسلمان، نمی‌توانند و نباید به هم بی‌تفاوت باشند، بلکه باید همدیگر را به حق که «یکناپرستی، اطاعت خدا، تبعیت از کتب و رسل، زهد در دنیا و اشتیاق به آخرت» و به صبر که «اطاعت، معصیت و مصیبت» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۹۴) است، سفارش کنند.

با این حال ظهور زن در جامعه، چه به ضرورت باشد، چه به خاطر تأثیرگذاری و چه به حالت ناظرانه، باید مؤدب به این آداب باشد: عفت در نگاه (نور، ۳۱)، عفت در معاشرت (احزاب، ۵۳)، عفت در پوشش (احزاب، ۵۹)، عفت در کلام (احزاب، ۳۲)، وقار در آمدو شد (نور، ۳۱)، مصافحه نکردن با نامحرم^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲۵)، پرهیز از گفتگو و خلوت با نامحرم^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲۸)، و پرهیز از استعمال نابجای بوی خوش^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۰۷).

۳. تحلیل «حضور» و «ظهور» زن در جامعه

خداوند در حوزه فعالیت‌های اجتماعی، از زن «حضور» در جامعه را خواسته است، اما حضوری که لزوماً «ظهور» نیست و حضور او در پس‌نقش آفرینی «پنهان» زن رقم می‌خورد، نه در جلوه‌گری و ظهور بی‌دلیل او در جامعه! اسلام نقش «ریحانه» را برای زن در نظر گرفته است و نه «قهرمانه»: «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ كَيْسَتْ بِمَهْرَمَانَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۰)؛ زن گلی است که نباید در معرض دید همگان باشد و یا سخت کار کند، چون لطیف است و این یعنی «شکل سومی برای ایفای نقش زن وجود دارد و آن این

۱. رسول اکرم ﷺ: «من صافح امرأة تحرم عليه فقد باء بسخط من الله عزوجل» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۴).

۲. رسول اکرم ﷺ: «مَنْ فَأَكَ امْرَأَةً لَا يَغْلِبُهَا حَيْسٌ بِكَلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ فِي النَّارِ» (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۸۸).

۳. در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است: «ایما امرأة تطیبت لغير زوجها لم یقبل منها صلاة حتی تغتسل من طیها»؛ هر زنی که برای غیرشوهر عطر بزند، خداوند نمازش را قبول نمی‌کند تا از آن غسل کند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۵).

است که زن به صورت یک «شخص گران بها» در بیاید، هم «شخص» باشد و هم «گران بها». یعنی از یک طرف شخصیت روحی و معنوی داشته باشد و از طرف دیگر، در اجتماع مبتذل نباشد. و در پرتو همین شخصیت و گران بهایی، عفاف در جامعه مستقر می شود، روان ها و کانون های خانوادگی در جامعه سالم می ماند» (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۲۰).

خدای حکیم در تقسیم نقش های خانوادگی و اجتماعی نقش پنهان را برای زن برگزیده است؛ همان گونه که برخی اولیای خود مثل خضر را در چنین جایگاهی قرار داده است و این نقش پنهان که مطلوب خداوند است ارزشمند و مؤثر است. چنانچه در همراهی خضر با موسی که هر دو از اولیای الهی بودند، گرچه مقام اجتماعی و شهرت حضرت موسی به عنوان پیامبر اولوالعزم بیشتر بود، ولی طبق اراده الهی، نقش خضر پنهان بود؛ هر چند اعلم از موسی بود (روحانی، ۱۳۹۳، ص ۴۴۵)، و کسی نمی تواند بگوید میزان تأثیرگذاری کدامشان بیشتر یا کمتر بوده است، چون در نقشه جهان هستی، هر کس به وظیفه خود که خداوند برایش ترسیم کرده مشغول است (و باید باشد). پس یک زن هم چون مرد، در حوزه ارزش های اخلاقی و انسانی از سوی خداوند حکیم مفتخر به باریابی به ساحت کمال است و این در آیات قرآن کریم مشهود است که شاخص ترین آن آیه ۳۵ سوره احزاب است. زن در حوزه توانمندی ها و استعدادها، همچون مرد است؛ چرا که زن نیز برخوردار از روح خدایی (حجر، ۲۹، ص، ۷۲، سجده، ۹)، شناخت اخلاقی (شمس، ۷، ۸) و فطرت الهی (روم، ۳۰) است و ارسال رسل و تنزیل کتاب، برای او هم بوده است. در مسیر بندگی هم ابتلا و امتحان پیش رو دارد و استثنا نیست. شیطان دشمن هر دوی ایشان است و در مسیر عاقبت به خیری هم، راهی جز صراط مستقیم ندارد. اما در نقش آفرینی زن و مرد، ساختار روحی و جسمی این دو را خداوند خلق و تسویه کرده و سپس از هر یک متناسب با ساختار وجودی شان، کار، تکلیف و نقشی خواسته است. بنابراین تفوق و تفضل هر یک از زن و مرد با توجه به «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ...» (حجرات، ۱۳) در ایفای نقش درستی است که خداوند برایشان ترسیم و تقدیر کرده است و آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (نساء، ۳۴) شائبه برتری مرد به زن را ندارد، بلکه اشاره به «قائم بودن مردان به امور همسرانشان خصوصاً و نیز امور زنان جامعه

عموماً است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۴۳)، بنابراین می‌شود گفت «حضور» زن در جامعه همیشگی است، ولی «ظهور و بروز»ش به‌ضرورت، مؤثر و ناظرانه! به‌طور مثال «قاضی و ولی» و مجتهدی که بر اثر تربیت صحیح یک زن، به جامعه اسلامی خدمت می‌کند نشان از «حضور» مثبت و درست این زن در جامعه دارد، در حالی که خود او در جامعه «ظاهر» نیست ولی حاصل تربیت صحیح او در جامعه، هم حاضر است و هم ظاهر» (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۹). در واقع «حضور» زن در جامعه و ردپای اثرگذاری وی، با «ایجاد آرامش برای همسر» و «تربیت شایسته فرزندان» رقم می‌خورد، نه با «ظهور» بی‌دلیل خود او در عرصه اجتماع! ظاهرشدن در انتظار نباید مطلوب زن باشد بلکه حضور و تأثیرگذاری او است که مهم و مطلوب است، و اگر زن در جامعه ظاهر می‌شود -برای تحصیل علم یا مال یا انتفاع از لذایذ حلال- ظهورش باید عاری از تبرّج باشد. زن در عالم هستی دارای شأن فطری «پرده‌نشینی» است و جز به اقتضای نیاز و ضرورت رخ نمی‌نماید. این در ادبیات عرفانی ما هم نمود دارد:

در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود کاین شاهد بازاری وان پرده‌نشین باشد
(حافظ، ۱۳۹۰، ص ۱۷۱).

یعنی گرچه جمال در حالت متعارف تمایل به جلوه‌گری دارد، اما آنچه زیبایی را به پرده می‌برد، تمنای صفات جلالیه از صفات جمالیه است و پیامد همین تمنا است که حیا معنا می‌یابد و جمال و زیبایی پرده‌نشین می‌شود و حجاب، صاحب جمال را به پس پرده غیب می‌کشاند. زن که جلوه جمال الهی و ظهور صفات جمیل او است، در ذات خود تمایل به ظهور و تجلی دارد و ذاتاً پوشیدگی ندارد و این غیرت جلالیه است که زیبایی و جمال را پوشیده می‌خواهد و در پرده می‌خواندش. «خدا با غیرت است و دوست‌دار هر باغیرتی است». او از هر غیوری غیرت‌مندتر است و در تعدی بر حرمش غضب می‌کند و عقاب می‌نماید (فیروزی و فرهمندپور، ۱۳۹۱، ص ۱۱). از همین باب است که «تبرّج» به‌شدت نهی و نکوهش شده است: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ...» (نور، ۶۰)، و نیز آیه «وَقَوْنٌ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَةِ الْأُولَى» (أحزاب، ۳۳). کلمه «تبرّج» به‌معنای ظاهرشدن و

آشکارشدن در برابر مردم است، همان‌طور که برج قلعه برای همه هویدا و برابر دیدگان همه ظاهر است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۰۹). «و بدون شک این - پرده‌نشینی و ظاهر نشدن - یک حکم عام است و تکیه آیات بر زنان پیامبر ﷺ به‌عنوان تأکید بیشتر است»^۱ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۲۹۰).

لذا معلوم شد «خداوند در تقسیم نقش‌های اجتماعی و خانوادگی برای زنان این فرصت را فراهم آورده تا به‌طور پنهان و در نتیجه بیشتر و جدی‌تر اثرگذار باشند، در حالی که با وجود برخی مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی بر مردان، این امکان برای آنان کمتر است. این بدان معنا نیست که زنان را از ورود به عرصه‌های اجتماعی و پذیرفتن نقش‌های آشکار و شهره منع کرده باشد، بلکه بر آنان واجب نفرموده و این فرصت را به آنان داده تا در مظهریت اسم غیبِ الله، از مردان پیشی بگیرند» (روحانی مهدی، ۱۳۹۳، ص ۴۵۸). به بیان دیگر نقش پس پرده را برای زن در نظر گرفته است، و شاید بهترین مثال برای «حاضر»ی که «ظاهر» نیست، حضرت صاحب‌العصر ﷺ است. او حاضری است که غایب از نظر است و ظاهر نیست و تعجیل در «ظهور» او دعای ما است، ولی نه اینکه او «حاضر» نباشد. او حاضری است که از پس پرده غیبت تأثیرگذار است. او ﷺ گرچه پرده‌نشین غیبت است ولی جهان هستی از او مستفیض است، چرا که در توقیعی از خود امام زمان ﷺ چنین آمده است: «چگونگی بهره‌مندی از من در عصر غیبتم، درست همانند بهره‌مندی از خورشید است هنگامی که ابرها آن را از چشم‌ها بپوشاند» (صدوق، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۴۸۵).

نکته دیگر این است که حضور و ظهور یک زن در جامعه باید به تشخیص درآید تا اتفاق افتد و آنچه به یک زن قدرت تشخیص می‌دهد که در کدام شرایط زمانی و مکانی از پرده‌نشینی خارج شود و ظاهر گردد «تقوا» است: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَهَيَّؤُوا لِلَّهِ يُجْعَلَ لَكُمْ فُرْقَانًا...» (أنفال، ۲۹)؛ «فرقان» به معنای چیزی است که میان دو چیز فرق

۱. «درست مثل اینکه به شخص دانشمندی بگوییم تو که دانشمندی دروغ مگو، مفهومش این نیست که دروغ گفتن برای دیگران مجاز است، بلکه منظور این است که یک مرد عالم باید به‌صورت مؤکدتر و جدی‌تری از این کار پرهیز کند.»

می‌گذارد و آن در این آیه به قرینه سیاق و تفریح‌اش بر تقوا، فرقان میان حق و باطل است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۵۶). در واقع، فرقان قدرتی به فرد می‌دهد که تشخیص دهد کدام کار را انجام دهد یا ندهد. کدام رأی را بپذیرد یا نپذیرد. پس این تقوا است که به یک زن، دیده فرقان می‌دهد تا تشخیص دهد در کدام یک از عرصه‌ها نیاز به «ظهور» دارد تا «حضورش» عیان شود، و گرنه که یک زن باایمان، به اعتبار «آرامش‌دهی به همسر» و حفظ و تقویت مودت و رحمت در خانواده و «تربیت شایسته فرزندان»، حضور مؤثرش در همه عرصه‌ها مسجل است و نیازی به ظهور و بروز و عرض اندام ندارد. تشخیص درست به مدد تقوا، یعنی رفتن حضرت فاطمه علیها السلام به مسجدالنبی و خواندن خطبه برای احقاق حق وصایت و ولایت امام زمانش، علی علیه السلام. حضرت زهرایی که از سپردن امور منزل به وی در تقسیم کار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۸۱) توسط پدرش علیه السلام به خاطر پرده‌نشینی و ملازمت در خانه (قرن فی بیوتکن) خشنود شد، برای اثبات حقانیت ولایت امیرالمؤمنین در مسجد ظاهر شده و خطبه می‌خواند. دخترش زینب که به قول یحیی مازنی - همسایه امام علی علیه السلام در مدینه‌النبی - هیچ‌گاه دیدگانش او را ندید و گوشش صدایش را نشنید (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۹۵۵)، در صحنه کوفه و شام ظاهر می‌شود و با خطبه‌های آتشین کاخ ظلم یزیدیان را بر سرشان خراب می‌کند و پیام‌رسان واقعه کربلا می‌شود.

نتیجه‌گیری

با مطالعه آیات قرآن کریم و روایات و نیز الگوهای تاریخ اسلام، مانند حضرت زهرا علیها السلام، می‌توان نتیجه گرفت که «حضور» و «ظهور»، دو حالت برای فعالیت‌های زن در جامعه است که متناسب با اقتضائات فطری، شرایط خانوادگی و اجتماعی او تعریف می‌شود. این «حضور»، همیشه ملازمتی با «ظهور» ندارد.

«حضور» یک زن در جامعه با «آرامش‌دهی به همسر» و «تربیت شایسته فرزندان» همیشگی است و «ظهور» وی وابسته به شرایط زمانی و مکانی و نیز بر اساس نیازها است، و البته با حفظ حجاب و حریم که منبعث از «تقوا» است؛ زیرا قرآن تبرج را

نهی کرده و عفت را از ایشان خواسته است. در سایه چنین تفکری، زنان برای کسب دانش، مهارت، هنر و یا اشتغال و نیز استفاده از خدمات اجتماعی به «ضرورت» در جامعه ظاهر می‌شوند، و در اموری چون سیاست، هجرت، فعالیت اقتصادی و جهاد، ظهوری «مؤثر» دارند و با امر به معروف و نهی از منکر و توصیه به حق و صبر، «ناظرانه» در جامعه ظاهر شده و بی‌تفاوت از مسائل جامعه خود عبور نمی‌کنند.

فهرست منابع

- * قرآن كريم.
* نهج البلاغه.
١. ابن اثير، على بن محمد. (١٤٠٩ق). اسد الغابه في معرفة الصحابه (چاپ اول). بيروت: دارالفكر.
 ٢. ابن ابى اصيبعة، احمد بن قاسم. (٢٠٠١م). عيون الانباء في طبقات الاطباء (مترجم: عامر نجار، چاپ اول). قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
 ٣. ابن ابى شيبه، عبدالله بن محمد. (١٤٢٩ق). مصنف ابن شيبه في الاحاديث والآثار (مترجم: محمد لحام سعيد). بيروت: دارالفكر.
 ٤. ابن بابويه، محمد بن على (شيخ صدوق). (١٤٠٠ق). اماليل للصدوق (چاپ پنجم). بيروت: اعلمى.
 ٥. ابن بابويه، محمد بن على (شيخ صدوق). (١٤١٣ق). من لا يحضره الفقيه (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامى.
 ٦. ابن خطيب، محمد بن عبدالله. (١٤٢٤ق). الإحاطة في أخبار غرناطة (مترجم: يوسف على طويل، چاپ اول). بيروت: دارالكتب العلمية.
 ٧. ابن سعد، محمد بن سعد. (١٤١٠ق). الطبقات الكبرى (چاپ اول). بيروت: دارالكتب العلمية.
 ٨. ابن شعبه حرانى، حسن بن على. (١٤٠٤ق). تحف العقول (مترجم: على اكبر غفارى، چاپ دوم). قم: جامعه مدرسين.
 ٩. ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن على. (١٣٧٩). مناقب آل ابى طالب عليه السلام (چاپ اول). قم: نشر علامه.
 ١٠. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله. (١٤١٢ق). الاستيعاب في معرفة الأصحاب (مترجم: على محمد بجاوى). بيروت: دارالجيل.

۱۱. ابن هشام، عبدالملک. (بی تا). السیرة النبوة (مترجم: مصطفی السقا، عبدالحفیظ شبلی و ابراهیم الایاری، چاپ اول). بیروت: دارالمعروفه.
۱۲. باوکر، جان؛ و هولم، جین. (۱۳۸۷). زن در ادیان بزرگ جهان (مترجم: علی اکبر غفاری صفت). تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله. (۱۴۱۳ق). عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال: مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد (مترجم: محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، چاپ اول). قم: مؤسسه الإمام المهدی عج.
۱۴. بروجردی، محمدابراهیم. (۱۳۶۶). تفسیر جامع (چاپ ششم). تهران: صدر.
۱۵. بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۲۴ق). السنن الکبری (مترجم: عبدالقادر محمد عطا). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). زن در آینه جلال و جمال (چاپ سیزدهم). قم: مرکز نشر اسراء.
۱۷. حافظ، شمس الدین محمد. (۱۳۹۰). دیوان حافظ (چاپ دوم). تهران: پروان.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه (چاپ اول). قم: موسسه آل البيت علیه السلام.
۱۹. حکیمی، محمدرضا. (۱۹۸۳م). اعیان النساء. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۰. خمینی، روح الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام (چاپ پنجم). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۱. روحانی مشهدی، فرزانه. (۱۳۹۳). نقش اجتماعی زنان در مقایسه با مردان. زن در فرهنگ و هنر. ۶(۴)، صص ۴۴۵-۴۶۰.
۲۲. زرکلی، خیرالدین. (۱۹۸۰م). الأعلام (چاپ پنجم). بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۳. زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (چاپ سوم). بیروت: دارالکتب العربی.
۲۴. شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۴ق). نیل الأوطار (مترجم: العطار صدقی جمیل). بیروت: دارالفکر.

۲۵. صراف، بانو. (۱۳۸۰). اشتغال زنان از نگاه قرآن و سنت و نظر فقهای گذشته و حال. پیام زن، (۱۱۶)، ص ۲۲.
۲۶. طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۲ق). مکارم الأخلاق (چاپ چهارم). قم: الشریف الرضی.
۲۸. عفیفی، عبدالله. (۱۳۵۰). المرأة العربية فی جاهلیتها و اسلامها. قاهره: مطبعة المعارف.
۲۹. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر: مفاتیح الغیب (چاپ سوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. فیروزی، رضا؛ و فرهمندپور، فهیمه. (۱۳۹۱). بررسی جهان‌شناختی حجاب در ساختار اسماء الله از منظر آیات و روایات. زن در فرهنگ و هنر، ۴(۴)، صص ۲۵-۵.
۳۱. قزوینی، محمد بن یزید. (۱۹۹۷م). سنن ابن ماجه (چاپ اول). ریاض: مکتبه المعارف.
۳۲. قطب، سید. (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن (چاپ سی و پنجم). بیروت: دارالشرق.
۳۳. قمی، عباس. (۱۴۱۴ق). سفینه البحار (چاپ اول). قم: اسوه.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). تفسیر النبی (چاپ سوم). قم: دارالکتاب.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (مترجم: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۶. مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۶ق). روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه (مترجم: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهااردی، چاپ دوم). قم: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور.
۳۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (چاپ دوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۹). میزان الحکمه (مترجم: حمیدرضا شیخی). قم: موسسه دارالحدیث.
۳۹. مطهری، مرتضی. (بی تا). مسئله حجاب. بی جا. بی نا.
۴۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹). حماسه حسینی. تهران: صدرا.

۴۱. مظاهری، علی. (۱۳۴۸). زندگی مسلمانان در قرون وسطا (مترجم: مرتضی راوندی). بی‌جا: سپهر.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (چاپ دهم). تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۳. موسوی پور، محمدحسین؛ و منتظری، سید سعیدرضا. (۱۳۹۱). بررسی واژه قهرمانه در کلام امام علی علیه السلام، مجله علوم حدیث، ۱۱۷(۱)، صص ۱۱۱-۱۲۸.
۴۴. مهریزی، مهدی. (۱۳۷۷). زن (چاپ اول). تهران: نشر خرم.
۴۵. مهریزی، مهدی. (۱۳۸۲). زن و فرهنگ دینی (چاپ اول). تهران: هستی‌نما.
۴۶. نوری، یحیی. (۱۳۸۵). حقوق زن در اسلام و جهان. تهران: نوید نور.
۴۷. ویل دورانت. (۱۳۹۵). لذات فلسفه (مترجم: عباس زریاب خوئی، چاپ بیست‌وهفتم). تهران: علمی- فرهنگی.
۴۸. یادگار، مینا. (۱۳۷۱). اجتهاد و مرجعیت زنان. مجله زنان، ۸(۸)، صص ۲۴-۳۳.

References

- * Holy Quran.
- * Nah al-Balagha.
- 1. Afifi, A. (1350 AP). *The Arab world in its ignorance and Islam*. Cairo: al-Ma'arif Press. [In Arabic].
- 2. al-Bayhaqi. (1424 AH). *As-Sunan al-Kubra* (A. Q. Muhammad Atta, Trans.). Beirut: Scientific Library. [In Arabic].
- 3. al-Hurr al-amili. (1409 AH). *Wasa'il al-Shi'a* (1st ed.). Qom: Aal al-Bayt Institute. [In Arabic].
- 4. al-Kulayni. (1407 AH). *Usul al-Kafi* (A. A. Ghaffari & M. Akhundi, Trans., 4th ed.). Tehran: Islamic Library. [In Arabic].
- 5. al-Shaykh al-Saduq. (1400 AH). *Amali Saduq* (5th ed.). Beirut: Science. [In Arabic].
- 6. al-Shaykh al-Saduq. (1413 AH). *Man La Yahduruhu al-Faqih* (2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic].
- 7. Ayatollah Khomeini. (1389 AP). *Sahifeh-ye Imam* (5th ed.). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian].
- 8. Bahrani Isfahani, A. (1413 AH). *The worlds of sciences, knowledge, and situations from verses, news, and sayings: Mustadrak Sayyid al-Nisa to Imam al-Jawad* (M. B. Movahed Abtahi Isfahani, Trans., 1st ed.). Qom: Imam al-Mahdi Foundation. [In Persian].
- 9. Boroujerdi, M. I. (1366 AP). *Tafsir Jame'* (6th ed.). Tehran: Sadr. [In Arabic].
- 10. Durant, W. J. (1395 AP). *The pleasures of philosophy* (A. Zaryab Khoei, Trans., 27th ed.). Tehran: Scientific-Cultural. [In Persian].
- 11. Fakhr Razi. (1420 AH). *al-Tafsir al-Kabir* (Mafatih al-Ghayb) (3rd ed.). Beirut: Dar al-Ahya al-Tarath al-Arabi. [In Arabic].
- 12. Firouzi, R., & Farahmandpour, F. (1391 AP). The Cosmological Study of Hijab in the Structure of Names of Allah from Verses of Holy Quran and Hadith Point of View. *Women in Culture and Art*, 4(4), pp. 5-25.

13. Hafez. (1390 AP). *The Divan of Hafez* (2nd ed.). Tehran: Parwan. [In Persian].
14. Hakimi, M. R. (1983). *A'yan al-Nisa*. Beirut: al-Wafa Foundation. [In Arabic].
15. Holm, J., & Bowker, J. W. (1387). *Women in religion* (A. A. Ghaffari, Trans.). Tehran: International Publishing Company affiliated with the Islamic Propagation Organization. [In Persian].
16. Ibn Abd al-Barr, Y. (1412 AH). *al-Isti'ab fi ma'rifat al-ashab* (A. M. Bajavi, Trans.). Beirut: Dar al-Jalil. [In Arabic].
17. Ibn Abi Asiba'ah, A. (2001). *'Uyun al-anba' fi tabaqat al-atibba'* (A. Najjar, Trans., 1st ed.). Cairo: The Egyptian Public Library. [In Arabic].
18. Ibn Abi Shaybah. (1429 AH). *The Musannaf of Ibn Abi Shaybah* (S. al-Laham,). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
19. Ibn Athir. (1409 AH). *Asad ul Ghaba fi Marfatul Sahaba* (1st ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
20. Ibn Hisham. (n.d.). *As-Sīrah an-Nabawiyyah* (M. al-Saqqa, Abdul Hafiz Shabli & I. al-Abyari, 1st ed.). Beirut: Dar al-Maroufa. [In Arabic].
21. Ibn Khatib, M. (1424 AH). *al-Ihata fi akhbar Gharnata* (Y. A. Tawil, Trans., 1st ed.) Beirut: Scientific Library. [In Arabic].
22. Ibn Sa'd, M. (1410 AH). *Tabaqat al-Kobra* (1st ed.). Beirut: Scientific Library. [In Arabic].
23. Ibn Shahr Ashub. (1379 AP). *Manaqib Ale Abi Talib* (1st ed.). Qom: Allameh. [In Arabic].
24. Ibn Shu'bah al-Harrani. (1404 AH). *Tuhaf al-Oqul* (A. A. Ghaffari, Trans., 2nd ed.). Qom: Teachers Association. [In Arabic].
25. Javadi Amoli, A. (1385 AP). *Woman in the Mirror of Glory and Beauty* (13th ed.). Qom: Esra. [In Persian].
26. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (2nd ed.). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
27. Majlesi, M. T. (1406 AH). *Rawdat al-muttaqin fi sharh Man La Yahduruhu al-Faqih*. Qom: Kooshanpour Islamic Culture Foundation. [In Arabic].

28. Makarem Shirazi, N. (1371). *Tafsir Nemooneh* (10th ed.). Tehran: Islamic Library. [In Persian].
29. Mazaheri, A. (1348 AP). *The Life of Muslims in the Middle Ages* (M. Ravandi, Trans.). n.p.: Sepehr. [In Persian].
30. Mehrizi, M. (1377 AP). *Woman* (1st ed.). Tehran: Khorram Publishing. [In Persian].
31. Mehrizi, M. (1382 AP). *Women and Religious Culture* (1st ed.). Tehran: Existence. [In Persian].
32. Mohammadi Reishahri, M. (1389 AP). *Mizan al-Hikma* (H. R. Sheikhi, Trans.). Qom: Dar al-Hadith Institute. [In Arabic].
33. Motahhari, M. (1379 AP). *Hamase -e- Husaini*. Tehran: Sadra. [In Persian].
34. Motahhari, M. (n.d.). *The issue of hijab*. n.p. [In Arabic].
35. Mousavipour, M. H., & Montazeri, S. S. R. (1391 AP). A study of the word hero in the words of Imam Ali (PBUH). *Hadith Sciences*, 17(1), pp. 111-128. [In Persian].
36. Noori, Y. (1385 AP). *Women's rights in Islam and the world*. Tehran: Navid Noor. [In Persian].
37. Qazvini, Muhammad ibn Yazid. (1997). *Sunan Ibn Majah* (1st ed.). Riyadh: Maktaba al-Ma'arif. [In Arabic].
38. Qomi, A. (1363 AP). *Tafsir al-Qomi* (3rd ed.). Qom: Dar al-Kitab. [In Arabic].
39. Qomi, A. (1414 AH). *Safina al-Bihar* (1st ed.). Qom: Oswa. [In Arabic].
40. Rouhani Mashhadi, F. (1393 AP). The social role of women compared to men. *Woman in culture and art*, 6(4), pp. 445-460. [In Persian].
41. Sarraf, B. (1380 AP). Women's employment from the perspective of the Qur'an and Sunnah and the views of past and present jurists. *The Message of Woman*, (116), p. 22. [In Persian].
42. Sayyid Qutb. (1425 AH). *In the Shade of the Qur'an* (35th ed.). Beirut: Dar al-Sharq. [In Arabic].
43. Shokani, M. (1414 AH). *Neil al-Awtar* (J. al-Attar Sidqi, Trans.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].

44. Tabarsi, H. (1412 AH). *Makarim al-Akhlaq* (4th ed.). Qom: al-Sharif al-Radhi. [In Arabic].
45. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (5th ed.). Qom: Islamic Publications Office of Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic].
46. Yadegar, M. (1371 AP). Ijtihad and authority of women. *Women*, (8), pp. 24-33. [In Persian].
47. Zamakhshari, M (1407 AH). *al-Kashshaaf* (3rd ed.). Beirut: Arabic Library. [In Arabic].
48. Zerekli, Kh. (1980). *al-A'lam* (5th ed.). Beirut: Dar al- Elm Lel Mala'ain. [In Arabic].